

متن پرسش

سلام و خدا قوت خدمت استاد عزیز: در کتاب جوان و انتخاب بزرگ فرموده اید: «قصدتان از ورزش تسلط پیدا کردن بر بدنن و بر میل های افراطی آن باشد. ولی اگر هدفتان قوی شدن بدن و خودنمایی شد، از ورزش کردن نتیجه ای نمی گیرید.» چند سوال: ۱. ورزش به قصد قوی شدن بدن و داشتن اندامی متناسب آیا برای انسان دینی جایگاهی دارد؟ ۲. آیا اگر کسی که اندام متناسبی ندارد ورزش و تغذیه خود را به گونه ای تنظیم کند که بدنی متناسب داشته باشد از عالم دین خارج است و در امیال به سر می برد؟ اصلا تعریف درستی از متناسب می توان ارائه داد؟ صرفا یک مقایسه با افراد معمولی یا آنچه که در علم پزشکی جدید به عنوان شاخص توده بدنی معرفی می شود می تواند تناسب را تعریف کند؟ ۳. آیا این قصدی که شما بدان اشاره فرمودید ورزش خاص خود را طلب نمی کند یا هر ورزشی می تواند در جهت این قصد موثر باشد؟ نظر به اینکه ما در ورزش های مختلف در بطن حرکت هایی قرار می گیریم که هر کدام برای هدفی طراحی شده اند که به طور کلی در جهت قدرت، سرعت یا تمرکز بیشتر است. آیا این اهداف با آنچه شما می فرمایید قابل جمع است؟ ۴. جایگاه ورزش قهرمانی که حضرت آقا بدان تاکید دارند کجاست؟ آیا صرفا جنبه تبلیغاتی دارد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. فکر نمی کنم. مگر به عنوان وسیله ای برای انجام وظایف لازم. ۲. مسلم از دین خارج نشده ولی از بدنی مناسب برای انجام وظایف خود محروم گشته است به همین جهت حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «و قوّ علی خدمتک جوارحی» یعنی از خداوند تقاضا دارند که برای انجام وظایف خود، جوارح و اعضای بدنشان را قوت بخشد. ۳. به نظر می آید می شود آن ها را جمع کرد. ۴. خود حضرت آقا فرمودند: ورزش قهرمانی به جهت آن که با تمرکز و پشتکار همراه است ارزش دارد. موفق باشید